



جاودانگی در آگاهی است / فاصله انسان بین بودن و شدن

چهره ماندگار فلسفه گفت: اگر آگاهی بر این عالم تقدم نداشت این عالم بر اساس آگاهی و نظم حرکت نمی کرد، نظم عقلانی است.

چهره ماندگار فلسفه گفت: اگر آگاهی بر این عالم تقدم نداشت این عالم بر اساس آگاهی و نظم حرکت نمی کرد، نظم عقلانی است.

به گزارش خبرنگار مهر، غلامحسین ابراهیمی دینانی عضو انجمن حکمت و فلسفه ایران و چهره ماندگار فلسفه در برنامه معرفت که از شبکه چهار سیما پخش می شود در تفسیر کلمات قصار باباطاهر اظهار داشت: در جملاتی از باباطاهر یکی از مهمترین مسائل مطرح شده است. اینکه عالم و عارف و مرید چه کسانی هستند.

چهره ماندگار فلسفه ادامه داد: امروزه ما فلسفه را از علم جدا می کنیم. باباطاهر بین فلسفه و علم تفاوتی قائل نیست. علم یعنی آنچه انسان می داند حالا یا از طریق تجربه و آزمایشگاه است یا استدلال و فلسفه است که آن هم علم است. عرفان حسابش جداس است. باباطاهر بین عرفان و علم تفاوت قائل می شود. علم در نظر ایشان علم الهی است، به علم تقدس می دهد.

وی ادامه داد: عارف جز حق نمی بیند. فانی در حق تعالی است. کسی که نزد حق است و فانی در حق تعالی است به خودش فکر نمی کند. خود را فدا کرده است. عارف کسی است که از خود گذشته و به حق رسیده است. عالم نزد علمش است و نمی تواند از علمش جدا شود. از علمش بهره مند می شود.

ابراهیمی دینانی افزود: انسان یک موجود پیچیده است. هر آدمی استعداد دارد که علم و عرفان و همه مراسم علم را طی کند. در آدمی این استعداد است، آدمی بین آنچه که هست و آنچه که باید باشد فاصله دارد. بایدهای اشخاص هم یکسان نیست.

چهره ماندگار فلسفه گفت: همت در انسان آن است که تمام نیروهای روحانی و جسمانی و آنچه در استعداد دارد یکجا جمع کند. انسان با این نیروهای رنگارنگی که دارد اگر این نیروها تمرکز پیدا کند از عالم می گذرد. ما متاسفانه متمرکز نیستیم. نیروهایمان پخش است. اگر نیروهای حس و توهّم و عقل تمرکز پیدا کند انسان می تواند به کشفیات محیرالعقول دست پیدا کند.

وی تصریح کرد: بین آنچه هستم و باید باشم فاصله است، بودن و شدن. من بودن هستم اما شدن هم هستم. انسان مرتب در حال شدن است. این شدن هم جسمی است و هم روحی. یکی از راه هایی که شدن را تقویت می بخشد و شدن های بسیاری را به دنبال دارد شنیدن هاست. بشنو، مرتب باید شنید. کسی که گوش دارد و حرف خوب را نمی شنود در عبودیت ذهن محدود خودش گرفتار است.

ابراهیمی دینانی افزود: علم و آگاهی، پول، عرض، عمق و مکان ندارد. همه موجوداتی که در این عالم هستند شجر، حجر، مدر، جماد و نبات، حیوان و انسان موجودات روی کره زمین هستند و از هم جدا هستند. اما در عین اینکه جدا هستند در مکان با هم متصلند. همه موجودات کره زمین در زمان و مکان با هم متصلند. علم و آگاهی هیچ کدام از آثار ماده را ندارد. آگاهی و علم مجرد است. یعنی آگاهی هست ولی طول و عرض و عمق و رنگ ندارد. در زمان نیست. آنچه که آثار ماده بر آن نباشد مجرد است.

ابراهیمی دینانی تصریح کرد: حالا اول این عالم ماده به وجود آمده بعد آگاهی به وجود آمده یا این عالم بر اساس یک آگاهی به وجود آمده است. اگر آگاهی بر این عالم تقدم نداشت این عالم بر اساس آگاهی و نظم حرکت نمی کرد. نظم عقلانی است.

وی اظهار کرد: این عالم از بین می رود ولی آگاهی از بین نمی رود. جاودانگی در آگاهی است. اگر انسان به جاودانگی باور نداشته باشد دیگر امید ندارد. انسان معنی است، هر چیزی در عالم یک معنی دارد اما انسان خودش معنی است. اگر به اتحاد مُدرک و مُدرک، عاقل و معقول باور داشته باشیم چون انسان معنی را می فهمد پس به غیر از انسان در این

عالم معنی را نمی فهمد.

این استاد دانشگاه در پایان خاطرنشان کرد: انسان تنها موجودی است که علاوه بر آنکه بر زندگی مادی و زودگذرش مفید است به دنبال معنی هم است. حالا بعضی ها آگاهانه به دنبال معنی هستند، بعضی ها نمی دانند به دنبال معنی هستند.